

بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی از

دیدگاه دانشجویان^۱

دکتر ابوالقاسم بریمانی*

دکتر محمد صالحی**

محمدرضا صادقی***

چکیده: کیفیت در آموزش عالی یک نقطه ثابت و ایستا نیست بلکه، یک حرکت، هدف استراتژیک و وظیفه اسلامی است. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی کشور با آن مواجه هستند. هدف از این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی، از نوع زمینه‌یابی (پیمایشی) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران است که در سطح تحصیلات تکمیلی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول تحصیل هستند، که تعداد آنان ۴۵۸۹ نفر دانشجو می‌باشد. از این تعداد، ۳۵۷ نفر به عنوان نمونه مورد استفاده قرار گرفتند. جهت گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده‌است. روایی آن توسط اساتید و متخصصان مربوطه مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب پایایی آن با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۲ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از روش‌های آماری در سطح توصیفی و استنباطی استفاده گردید. نتایج حاصل از بررسی سؤالات تحقیق نشان داده است که عوامل روش تدریس هیأت علمی، سازماندهی محتوای آموزشی، تجهیزات و امکانات دانشگاه، وضعیت دانشجو و وضعیت هیأت علمی در بهبود کیفیت آموزش عالی مؤثر هستند. تأثیرگذاری عامل وضعیت دانشجو از بقیه عوامل بیشتر می‌باشد.

واژه های کلیدی: روش تدریس، سازماندهی محتوای آموزشی، تجهیزات و امکانات و کیفیت آموزش عالی

مقدمه

امروزه شاهد تغییرات و تحولات جدی در عرصه فناوری هستیم. دانشگاه به سبب رسالت و تعهداتی که نسبت به جامعه دارد باید از یکسو، برای بقا و اثر بخشی خود تلاش کند و از

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی (با همین عنوان) مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا می‌باشد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا barimani@iauneka.ac.ir

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری drsalehi@iauneka.ac.ir

*** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا sadeghi.iaun@gamil.com

سوی دیگر، با توجه به نقشی که در جوامع به عنوان الگو و قالب برای سایر سازمان‌ها دارد، باید در جهت ایجاد بستری مناسب برای اثر بخش کردن سازمان‌های دیگر برنامه‌ریزی کند، تا با شیوه‌های جدید و کارآمد بتواند با ارائه محصول و خدمات خود به جامعه نتیجه ارزشمندی را به بار آورد. عدم تعهد و سازگاری به موقع دانشگاه با محیط پیرامون سبب اختلال و تنش در ایفای کارکردهای دانشگاه خواهد شد. لذا، یکی از الگوهای جدید، رویکرد سیستمی به نظام آموزش عالی می‌باشد که در این رویکرد دو مؤلفه مشتری‌گرایی و نتیجه‌گرایی نقش کلیدی و اساسی در کیفیت خروجی سیستم دارند (سعیدی کیا، ۱۳۸۶: ۱۱).

در یک دانشگاه، هر دانشجو چند سال به طور شبانه روز طیف گسترده‌ای از خدمات را از دانشگاه دریافت می‌کند. بنابراین، ارضای این نوع از مشتریان مستمر، امری حیاتی و مهم است و این مسأله به این معنی است که بررسی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت خدمات محیط‌های آموزشی، مسأله‌ای حیاتی و مهم است. ضمن این که عوامل دیگری نیز وجود دارند که مؤید لزوم بهبود کیفیت خدمات ارائه شده به وسیله محیط‌های آموزشی است. مانند این که هر چه کیفیت خدمات ارائه شده به وسیله این سازمان‌ها بهبود یابد، باعث می‌شود تا کیفیت خروجی‌های آن‌ها که معمولاً فارغ‌التحصیلان هستند، افزایش یابد که اثرات این بهبود کیفیت به سرتاسر جامعه تسری می‌یابد. در نتیجه آن، بهبود کیفیت در تمامی بخش‌های جامعه، نهادینه می‌شود (شفیعی رودپشتی، ۱۳۸۷: ۷۳).

آموزش عالی کشور نیازمند کار عملی بیشتر جهت ارتقای کیفی است. این نیاز به ویژه در مبانی نظری و الگوهای رشد کیفی در آموزش عالی ایران به عنوان یک حوزه تخصصی ملحوظ است. دلیل بارز آن نیز فقدان یک الگوی غالب ارتقاء و ابهام در عملکرد کیفی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است. به بیان دیگر، آموزش عالی کشور نیازمند یک چارچوب نظری ارتقای کیفی است، که بایستی بر اساس مطالعه، نقد و تحلیل نظریه‌های مدون حوزه تخصصی جهانی با توجه به شرایط ارزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تدوین گردد (قورچیان، ۱۳۷۹: ۱).

در زمینه کیفیت، چه کیفیت نیروی انسانی و چه کیفیت کالا و خدمات تولید شده، استاندارد مشخص و معینی وجود ندارد. کیفیت یک امر ارزشی است. در لغت نامه دهخدا صفت و چگونگی، حالت و وصفی که در چیزی حاصل باشد، معنی شده است. فرهنگ لغت معین کیفیت را مترادف با چگونگی و فرهنگ عمید نیز کیفیت را به عنوان صفت، حالت و چگونگی چیزی آورده است. کیفیت معادل واژه quality است که از ریشه لاتینی *qualitas*

و qualitat گرفته شده که tot و tas از ریشه لاتین qui به معنی کی و چه کسی می‌باشد. وقتی صحبت از کیفیت می‌شود و یا در مورد آن سؤال می‌شود، اصطلاحاتی از قبیل خوب بودن^۱ یا تجملی بودن^۲ به عنوان معادل به کار برده می‌شود. اما باید توجه داشت که این گونه تعاریف ذهنی است و هیچگونه مبنایی برای اندازه گیری کیفیت بدست نمی‌دهد. یکی از تعاریف کیفیت عبارت از مطابقت با شرایط مطلوب و مورد انتظار مشتری است، (پروفوسور برن) در مورد کیفیت می‌گوید: «ایده مفهوم کیفیت مبتنی بر قضاوت‌ها^۳ است.»

در هر حال، کیفیت یک خصیصه ثابت نیست. بلکه یک هدف پویا و متغیر است، زیرا بیانگر دلخوشی مشتری خواهد بود، به موازات افزایش انتظارات مشتری، کیفیت محصول نیز باید اعتلا یابد. بطور کلی، در تعریف مفهوم کیفیت می‌توان گفت مجموعه ویژگی‌هایی از قبیل استاندارد بودن، بی عیب و نقص بودن، ترکیب مناسب و با قواره بودن، دوام و پایداری مطلوب، اثرات سازنده و غیره ... یک کالا یا خدمات که به آن توانایی می‌دهد تا بتواند نیازهای بیان شده از قبیل رضایت مشتری و ... را تأمین نماید. مجموعه ویژگی در اشیاء و خدمات مختلف، متفاوت است. آنچه مسلم است، کیفیت فقط مخصوص تولید یک کالای فیزیکی نیست بلکه ارائه هر نوع خدمات آموزشی، اداری، رفاهی و ... نیز در فرآیند کیفیت قرار می‌گیرد. منتها اندازه‌گیری کیفیت در کالای فیزیکی براحتی انجام می‌گیرد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۴۰-۳۹).

کیفیت، مفهومی است پیچیده، پویا و چندبعدی که اغلب تعریف آن، تابع مجموعه‌ای از عوامل و شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. از جمله تعریف‌هایی که از کیفیت در آموزش عالی شده است، تعریف شبکه بین المللی نهادی های تضمین کیفیت در آموزش عالی است. این شبکه در کنفرانس سال ۱۹۹۳ دو تعریف از کیفیت آموزش عالی ارائه داده است:

- ۱- کیفیت به عنوان تطابق وضعیت آموزش عالی با استانداردهای از قبل تعیین شده.
- ۲- کیفیت به عنوان تطابق وضعیت آموزش عالی با رسالت، هدف و انتظارات یاران آموزشی (منظور افراد ذی‌ربط، ذی‌نفع و ذی‌علاقه در امور دانشگاهی است از جمله هیأت علمی، مسئولان دانشگاهی، دانشجویان، قانونگذاری و امثال آنان).

همانطور که ملاحظه گردید، تعاریف گوناگونی از کیفیت ارائه شده است؛ اما با وجود این هنوز در خصوص مفهوم کیفیت اتفاق نظری وجود ندارد. شاید دلیل این امر را بتوان در این نکته بیان کرد که مفهوم کیفیت یک موضوع ارزشی است. لذا دارای ماهیت چند بعدی است و از آن برداشت‌های متفاوتی می‌شود. می‌توان گفت که «کیفیت مفهومی نسبی است و تابع عوامل مختلفی می‌باشد که در بروز چگونگی عملکرد مؤثر می‌باشند. شناسایی این عناصر و تعیین قطعی تاثیرگذاری‌ها این عوامل، غیرممکن است.» بنابراین، مطالعه و بررسی کیفیت در یک نظام آموزشی به ضرورت کلی و جامع نمی‌تواند صورت گیرد. یکی دیگر از خصوصیات کیفیت پیچیدگی آن است. تمام نتایج تحقیقات در کشورهای مختلف، بیانگر این واقعیت است که نمی‌توان با قطعیت عامل خاصی را بر کیفیت و بهبود آن مؤثر دانست. کیفیت آموزشی، مفهوم پیچیده و تام می‌باشد و ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که نمی‌توان تمامی آنها را برای همیشه شناسایی نمود. کیفیت آموزشی همانا خصوصیات نظام آموزشی است که می‌تواند مطلوب یا نامطلوب باشد که این امر، نشانگر نسبی بودن این مفهوم می‌باشد (بمنی دوزی، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۹).

پیشینه پژوهش

تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر در کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اساتید و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء» توسط زهرا اسماعیلی بیدهندی (۱۳۷۷) انجام گرفت، که نتایج حاصل از تحقیق چنین است. «فراهم نمودن زمینه رشد و توسعه حرفه‌ای اعضای هیأت علمی، فراهم کردن جو سالم سازمانی، برخورداری از مدیریت کارا، بهبود وضعیت کمی و کیفی کتابخانه‌های دانشگاهی، فراهم نمودن زمینه رشد و توسعه حرفه‌ای دانشجویان بهبود وضعیت کمی و کیفی برنامه درسی، استفاده از ملاک‌های عملی و علمی جهت گزینش هیأت علمی، اصلاح و بهبود شیوه‌های ارزشیابی عملکرد اعضای هیأت علمی، بهبود شیوه‌های تدریس و ارزشیابی از عملکرد دانشجویان به ترتیب از عوامل مؤثر در کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان است.»

سارا پاکاریان (۱۳۷۸) با پژوهشی در خصوص «بررسی عوامل افزایش کیفیت آموزشی در دانشگاه اصفهان و پیشنهادهاتی برای بهبود آن» چنین نتیجه‌گیری می‌کند که «شیوه‌های گزینش هیأت علمی و دانشجو، فراهم بودن زمینه رشد حرفه‌ای، رضایت خاطر اعضای هیأت علمی و دانشجویان، نوع و چگونگی ارزشیابی از عملکرد اعضای هیأت علمی، شیوه‌های

تدریس و ارزشیابی تحصیلی، عملکرد مدیران در سطوح مختلف دانشگاهی، محتوای کمی و کیفی برنامه های درسی و همچنین وضعیت کمی و کیفی کتابخانه ای در کیفیت آموزش تأثیر دارد و می تواند منجر به افزایش یا کاهش سطح آن گردد».

تحقیقی دیگر توسط خدایار سلیمانی مطلق (۱۳۸۴) با عنوان «بررسی عوامل آموزشی مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه لرستان» انجام گرفت. این نتایج به دست آمد که بین محتوای برنامه درسی و شیوه های ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، روش های تدریس، آشنایی و به کارگیری تکنولوژی آموزشی و کیفیت آموزش دانشگاهی، رابطه معناداری وجود دارد و هر یک از این عوامل می توانند موجبات افزایش کیفیت آموزش را فراهم نمایند.

پژوهشی توسط محمد یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) با عنوان «مقایسه برخی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دوره های کارشناسی ارشد در دانشگاه های شهید بهشتی و صنعتی شریف» انجام گرفت. چنین نتیجه گیری می کند که استفاده از ملاک های مورد عمل در گزینش هیأت علمی و دانشجو، چگونگی روش تدریس، سازماندهی محتوای آموزشی، سازماندهی فضای آموزشی و ارزشیابی کلاسی بر کیفیت آموزش مؤثر می باشد. بین نظرات اعضای هیأت علمی در مورد تأثیر شش عامل آموزشی فوق بر کیفیت آموزشی بر حسب جنسیت، محل اخذ مدرک تحصیلی، رتبه علمی و دانشکده تفاوتی وجود ندارد. همچنین بین نظرات دانشجویان نیز تفاوتی مشاهده نگردید.

نتایج حاصل از تحقیق میثم شفیع رود پستی و همکاران (۱۳۸۷) در مورد «شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت خدمات آموزشی بخش آموزش عالی در دانشکده مدیریت دانشگاه یزد» نشان می دهند، دسترسی سریع و کافی استادان و دانشجویان به کامپیوتر و اینترنت، معرفی فارغ التحصیلان به بازار کار و مشارکت دادن دانشجویان در فعالیت های فوق برنامه از جمله مهم ترین عوامل قرار گرفته در طبقه الزامی هستند. مهم ترین عوامل قرار گرفته در طبقه یک بعدی، عبارتند از گسترش سطوح تحصیلی بالاتر از جمله کارشناسی ارشد و دکتری در رشته ها مختلف، کافی بودن تعداد کارمندان و استادان دانشکده و تخصیص زمان مخصوص و کافی را برای پاسخگویی به مشکلات و مسأله دانشجویان به وسیله استادان و مهم ترین عوامل قرار گرفته در طبقه جذاب عبارتند از برقراری ارتباط دانشکده با محیط های صنعتی و اداری و آشنا ساختن دانشجویان با این

محیط ها، ارائه خدمات ویژه به دانشجویان جدیدالورود و زیبا و مناسب بودن چیدمان اتاق ها و کلاس های دانشکده.

مقصود فراستخواه (۱۳۸۷) با پژوهشی در خصوص «بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران» چنین نتیجه گیری می کند ضرورت هایی همچون تنوع منابع مالی، توسعه زیرساخت های لازم برای یادگیری از راه دور و الکترونیکی، توسعه کیفیت نظام سنجش و پذیرش، کیفیت منابع انسانی و هیأت علمی، نهادینه شدن ارزشیابی و اعتبار سنجی، رقابتی شدن آموزش عالی، تعامل سه جانبه دانشگاه، بنگاه و دولت را بر می شمارد. در تحقیقی که توسط کلز^۱ (۱۹۹۰) در خصوص توسعه و کاربرد شاخص های عملکردی در آموزش عالی ۱۱ کشور بررسی شد نیز توجه به ایجاد و گسترش برنامه ریزی در قلمرو شاخص های عملکردی موجب ارتقای کیفی مراکز آموزش عالی گردیده است و رضایت در زمینه فرآیند پژوهش حاصل شده اما در زمینه تدریس، امور مالی و خدمات عمومی کار بیشتری لازم است که صورت پذیرد.

کونین^۲ (۱۹۹۴) با مطالعه شاخص های عملکردی در ۷۰ دانشگاه از ۱۵ کشور جهان می نویسد: دانشگاه هایی که هر چه بیشتر از شاخص های عملکردی استفاده کرده اند، نسبت به دانشگاه های دیگر از ارتقای کیفی بیشتری برخوردار بوده اند.

همچنین در تحقیقات گوتری^۳ (۱۹۹۱) در خصوص کاربست شاخص های عملکردی نشان می دهد که به کارگیری شاخص های عملکردی منجر به: (۱) برنامه ریزی بهتر، (۲) مدیریت اطلاعات، (۳) حساسی و پاسخگویی، (۴) کیفیت بهتر مراکز آموزش عالی می گردد.

آریزونا^۴ (۱۹۹۳) بر همین مبنا مطالعه ای انجام داد و به جای توجه به سقف تدریس و حجم کاری مشخص، فعالیت آموزشی عضو هیأت علمی را در ارتباط با کیفیت آموزش در دوره های کارشناسی سنجید و نتیجه گیری می کند، دانشجویان هرگاه واقعاً نیاز به درس خاص داشتند برای آن کلاس ثبت نام کنند، کلاس های آموزشی به تکنولوژی مدرن مجهز گردند، فارغ التحصیلان آن گونه آموزش ببینند که تسلط لازم را در رشته خود کسب کرده باشند و امکان تماس دانشجویان با اعضای هیأت علمی با سابقه و رتبه بالا در زمینه های مختلف آموزشی افزایش یابد. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی در واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی

1- Kells
2- Cuenin

3- Guthrie
4- Arizina

استان مازندران و ارائه پیشنهادهایی به مسئولین و مدیران آموزش عالی در جهت ارتقای کیفیت آموزش در سطح دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی می‌باشد که بر این اساس سؤالات زیر مطرح می‌گردد:

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا روش تدریس هیأت علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟
- ۲- آیا سازماندهی محتوای آموزشی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟
- ۳- آیا تجهیزات و امکانات دانشگاه بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟
- ۴- آیا وضعیت دانشجوی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟
- ۵- آیا وضعیت هیأت علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟
- ۶- آیا عوامل پنج‌گانه مورد مطالعه به یک میزان بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارند؟

روش

روش تحقیق توصیفی از نوع زمینه‌یابی (پیمایشی) می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران که در سطح تحصیلات تکمیلی در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ فعالیت دارند، می‌باشد که در مجموع تعداد جامعه آماری را ۴۵۸۹ نفر دانشجوی تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش بر اساس جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۳) تعداد ۳۵۷ نفر دانشجوی دوره تحصیلات تکمیلی از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته بسته پاسخ که سؤالات اصلی پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال که بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت به ترتیب با مقیاس‌های (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) که بر اساس ۵ عامل آموزشی تنظیم شده است، استفاده گردید. روایی آن توسط اساتید و متخصصان مربوطه مورد تأیید قرار گرفته است و ضریب پایایی آن با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۲ بدست آمد. جهت تجزیه و

تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و آمار توصیفی شامل جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی با استفاده از آزمون دو جمله‌ای، اثرگذاری هر یک از عوامل مورد سنجش قرار گرفته و بر اساس آزمون فریدمن عوامل اثرگذار رتبه‌بندی شده‌است.

یافته‌های پژوهش

سؤال یکم پژوهش: آیا روش تدریس هیات علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟

جدول ۱. خلاصه تحلیل آماری سؤال یکم پژوهش

متغیر	دسته بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی‌داری	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
روش تدریس هیات علمی	گروه اول	۴۰	۰/۱۱۲						
	گروه دوم	۳۱۷	۰/۸۸۸	۰/۶	۰/۰۰۰	۳۲/۹۷	۵/۷۶	۸/۰۰	۴۰/۰۰
	جمع	۳۵۷	۱/۰						

تفسیر: با توجه به اینکه این شاخص از ۸ سؤال با طیف لیکرت و از امتیاز ۱ الی ۵ تشکیل شده است حداقل ممکن ۸ و حداکثر ۴۰ است. بر اساس یافته‌های جدول، میانگین محاسبه شده ۳۲/۹۷ است که به مراتب از میانگین نظری که عدد ۲۴ می‌باشد بیشتر است. این نشانگر تأثیر مثبت شاخص روش تدریس هیات علمی به لحاظ توصیفی است. برای بررسی استنباطی با توجه به جدول شماره ۱ نمونه‌ها به دو گروه تقسیم شدند. در گروه نخست افرادی هستند که مجموع امتیاز ۸ گویه آنها کمتر از ۲۴ شده و با اثرگذاری عامل روش تدریس موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۸ گویه بیشتر از ۲۴ شده و با اثرگذاری این عامل موافق هستند. بر اساس اطلاعات جدول فوق تعداد گروه دوم ۳۱۷ نفر (موافق) هستند. یعنی نسبت افراد موافق $\hat{P}=0/888$ و مبنای تصمیم‌گیری هم میزان معنی‌داری ($Sig=0/000$) است. با توجه به اینکه میزان معنی‌داری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان بیان نمود که روش تدریس هیات علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد.

سؤال دوم پژوهش: آیا سازماندهی محتوای آموزشی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟

جدول ۲. خلاصه تحلیل آماری سؤال دوم پژوهش

متغیر	دسته بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی داری	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
سازمان دهی محتوای آموزشی	گروه اول	۶۵	۰/۱۸۲						
	گروه دوم	۲۹۲	۰/۸۱۸	۰/۶	۰/۰۰۰	۲۶/۷۶	۵/۳۸	۷/۰۰	۳۵/۰۰
	جمع	۳۵۷	۱/۰						

تفسیر: با توجه به اینکه این شاخص از ۷ سؤال با طیف لیکرت و از امتیاز ۱ الی ۵ تشکیل شده است، حداقل ممکن ۷ و حداکثر ۳۵ است. بر اساس یافته‌های جدول میانگین محاسبه شده ۲۶/۷۶ است که به مراتب از میانگین نظری که عدد ۲۱ می‌باشد بیشتر است. این نشانگر تأثیر مثبت شاخص سازماندهی محتوای آموزشی به لحاظ توصیفی است. برای بررسی استنباطی با توجه به جدول شماره ۲ نمونه‌ها به دو گروه تقسیم شدند. در گروه نخست افرادی هستند که مجموع امتیاز ۷ گویه آنها کمتر از ۲۱ شده و با اثرگذاری عامل سازماندهی محتوای آموزشی موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۷ گویه بیشتر از ۲۱ شده و با اثرگذاری این عامل موافق هستند. بر اساس اطلاعات جدول فوق تعداد گروه دوم ۲۹۲ نفر (موافق) هستند. یعنی نسبت افراد موافق $\hat{P}=0/818$ و مبنای تصمیم‌گیری هم میزان معنی‌داری ($Sig=0/000$) است. با توجه به اینکه میزان معنی‌داری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین؛ می‌توان بیان نمود که سازماندهی محتوای آموزشی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد.

سؤال سوم پژوهش: آیا تجهیزات و امکانات دانشگاه بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟

جدول ۳. خلاصه تحلیل آماری سؤال سوم پژوهش

متغیر	دسته بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی داری	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
تجهیزات و امکانات دانشگاه	گروه اول	۷۷	۰/۲۱۶						۳۵/۰۰
	گروه دوم	۲۸۰	۰/۷۸۴	۰/۶	۰/۰۰۰	۲۷/۳۹	۶/۲۸	۱۰/۰۰	
	جمع	۳۵۷	۱/۰						

تفسیر: با توجه به اینکه این شاخص از ۷ سؤال با طیف لیکرت و از امتیاز ۱ الی ۵ تشکیل شده است حداقل ممکن ۷ و حداکثر ۳۵ است. بر اساس یافته‌های جدول میانگین محاسبه شده ۲۷/۳۹ است که به مراتب از میانگین نظری که عدد ۲۱ می‌باشد بیشتر است. این نشانگر تأثیر مثبت شاخص تجهیزات و امکانات دانشگاه به لحاظ توصیفی است. برای بررسی استنباطی با توجه به جدول شماره ۳ نمونه‌ها به دو گروه تقسیم شدند در گروه نخست افرادی هستند که مجموع امتیاز ۷ گویه آنها کمتر از ۲۱ شده و با اثرگذاری عامل تجهیزات و امکانات دانشگاه موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۷ گویه بیشتر از ۲۱ شده و با اثرگذاری این عامل موافق هستند. بر اساس اطلاعات جدول فوق تعداد گروه دوم ۲۸۰ نفر (موافق) هستند. یعنی نسبت افراد موافق $\hat{P}=0/784$ و مبنای تصمیم‌گیری هم میزان معنی‌داری ($Sig=0/000$) است. با توجه به اینکه میزان معنی‌داری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان بیان نمود که تجهیزات و امکانات دانشگاه بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد.

سؤال چهارم پژوهش: آیا وضعیت دانشجوی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟

جدول ۴. خلاصه تحلیل آماری سؤال چهارم پژوهش

متغیر	دسته بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی داری	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
وضعیت دانشجوی	گروه اول	≤ ۱۸	۲۷	۰/۰۷۶	۰/۰۰۰	۲۵/۳۷	۳/۸۲	۱۴/۰۰	۳۰/۰۰
	گروه دوم	> ۱۸	۳۳۰	۰/۹۲۴					
	جمع		۳۵۷	۱/۰					

تفسیر: با توجه به اینکه این شاخص از ۶ سؤال با طیف لیکرت و از امتیاز ۱ الی ۵ تشکیل شده است حداقل ممکن ۶ و حداکثر ۳۰ است. بر اساس یافته‌های جدول میانگین محاسبه شده ۲۵/۳۷ است که به مراتب از میانگین نظری که عدد ۱۸ می‌باشد بیشتر است. این نشانگر تأثیر مثبت شاخص وضعیت دانشجوی به لحاظ توصیفی است. برای بررسی استنباطی با توجه به جدول شماره ۴ نمونه‌ها به دو گروه تقسیم شدند. در گروه نخست افرادی هستند که مجموع امتیاز ۶ گویه آنها کمتر از ۱۸ شده و با اثرگذاری عامل وضعیت دانشجوی موافق نیستند. در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۶ گویه بیشتر از ۱۸ شده و با اثرگذاری این عامل موافق هستند. بر اساس اطلاعات جدول فوق تعداد گروه دوم ۳۳۰ نفر (موافق) هستند. یعنی نسبت افراد موافق $\hat{P} = 0/924$ و مبنای تصمیم‌گیری هم میزان معنی‌داری ($Sig = 0/000$) است. با توجه به اینکه میزان معنی‌داری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان بیان نمود که وضعیت دانشجوی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد.

سؤال پنجم پژوهش: آیا وضعیت هیأت علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد؟

جدول ۵. خلاصه تحلیل آماری سؤال پنجم پژوهش

متغیر	دسته بندی	تعداد	نسبت مشاهدات	نسبت آزمون	میزان معنی داری	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
وضعیت هیأت علمی	گروه اول	۳۰	۰/۰۸۴						
	گروه دوم	۳۲۷	۰/۹۱۶	۰/۶	۰/۰۰۰	۲۸/۷۹	۴/۵۳	۱۱/۰۰	۳۵/۰۰
	جمع	۳۵۷	۱/۰						

تفسیر: با توجه به اینکه این شاخص از ۷ سؤال با طیف لیکرت و از امتیاز ۱ الی ۵ تشکیل شده است حداقل ممکن ۷ و حداکثر ۳۵ است. بر اساس یافته‌های جدول میانگین محاسبه شده ۲۸/۷۹ است که به مراتب از میانگین نظری که عدد ۲۱ می‌باشد بیشتر است. این نشانگر تأثیر مثبت شاخص وضعیت هیأت علمی به لحاظ توصیفی است. برای بررسی استنباطی با توجه به جدول شماره ۵ نمونه‌ها به دو گروه تقسیم شدند. در گروه نخست افرادی هستند که مجموع امتیاز ۷ گویه آنها کمتر از ۲۱ شده و با اثرگذاری عامل وضعیت هیأت علمی موافق نیستند. و در گروه دوم نیز افرادی قرار می‌گیرند که مجموع امتیاز ۷ گویه بیشتر از ۲۱ شده و با اثرگذاری این عامل موافق هستند. بر اساس اطلاعات جدول فوق تعداد گروه دوم ۳۲۷ نفر (موافق) هستند. یعنی نسبت افراد موافق $\hat{P} = 0/916$ و مبنای تصمیم‌گیری هم میزان معنی‌داری ($Sig = 0/000$) است. با توجه به اینکه میزان معنی‌داری این آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، می‌توان بیان نمود که وضعیت هیأت علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد.

سؤال ششم پژوهش: آیا عوامل پنج گانه مورد مطالعه به یک میزان بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارند؟

جدول ۶. خلاصه تحلیل آماری سؤال ششم پژوهش

میزان معنی داری	درجه آزادی	آماره کای مربع	میانگین رتبه‌ها	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	متغیر (امتیاز بر مبنای ۱۰۰)
			۳/۳۲	۱۰۰/۰۰	۲۰/۰۰	۱۴/۴۰	۸۲/۴۳	۳۵۷	روش تدریس هیأت علمی
			۲/۲۱	۱۰۰/۰۰	۲۰/۰۰	۱۵/۳۶	۷۶/۴۵	۳۵۷	سازماندهی محتوای آموزشی
۰/۰۰۰	۴	۱۷۹/۱۷۸	۲/۷۷	۱۰۰/۰۰	۲۸/۵۷	۱۷/۹۴	۷۸/۲۷	۳۵۷	تجهیزات و امکانات دانشگاه
			۳/۶۱	۱۰۰/۰۰	۴۶/۶۷	۱۲/۷۳	۸۴/۵۸	۳۵۷	وضعیت دانشجو
			۳/۱۰	۱۰۰/۰۰	۳۱/۴۳	۱۲/۹۳	۸۲/۲۵	۳۵۷	وضعیت هیأت علمی

تفسیر: به دلیل تفاوت ابعاد، امتیاز عوامل پنج‌گانه اثرگذار را همسان کرده و بر مبنای ۱۰۰ محاسبه می‌شود. سپس امتیاز همسان شده را رتبه‌بندی کرده، یعنی پنج عامل را برای یک فرد مرتب کرده و رتبه ۱ به کمترین امتیاز و رتبه ۵ به بیشترین امتیاز داده می‌شود. این عمل برای کل افراد نمونه تکرار می‌شود. سپس این فرضیه را که همه عوامل پنج‌گانه به یک اندازه بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارند (H_0) را آزمون کرده و مبنای تصمیم‌گیری هم میزان معنی‌داری ($Sig=0/000$) است. با توجه به اینکه میزان معنی‌داری در این آزمون کمتر از $0/05$ است بنابراین، با شدت زیاد فرض یکسان بودن اثر عوامل (H_0) را رد کرده، در نتیجه می‌توان بیان نمود که اثر ۵ عامل مورد مطالعه بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی متفاوت می‌باشد. برای اینکه بدانیم کدامیک از عوامل مؤثرتر هستند با استفاده از اطلاعات جدول شماره ۶ رتبه‌بندی عوامل مورد مطالعه بدین صورت می‌باشد. (۱) عامل وضعیت دانشجو (۲) روش تدریس هیأت علمی (۳) وضعیت هیأت علمی (۴) تجهیزات و امکانات دانشگاه (۵) سازماندهی محتوای آموزشی.

بحث و نتیجه‌گیری

در مورد سؤال نخست تحقیق، یافته‌ها نشان داد که عامل روش تدریس هیأت علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی مؤثر است. این نتیجه با یافته‌های اسماعیلی بیدهندی (۱۳۷۷) که بهبود شیوه‌های تدریس و ارزشیابی از عملکرد دانشجویان در بهبود کیفیت آموزشی مؤثر است و با یافته‌های پژوهش پاکاریان (۱۳۷۸) مبنی بر شیوه‌های تدریس و ارزشیابی تحصیلی در کیفیت آموزش تأثیر دارد.

همچنین، با نتایج تحقیق سلیمانی مطلق (۱۳۸۴) که بین روش‌های تدریس با کیفیت آموزش دانشگاهی، رابطه معناداری وجود دارد. و با مطالعات یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) که چگونگی روش تدریس بر کیفیت آموزش مؤثر شناخته شد؛ همخوانی دارد. بنابراین، قدرت تفهیم مطالب درسی توسط استاد، انتخاب روش تدریس براساس موضوعات درسی، مناسب بودن روش تدریس با مفاهیم اصلی و کلیدی هر درس، درگیر کردن ذهن دانشجویان با مسائل درسی در فرایند تدریس و تشویق کردن دانشجویان در جریان تدریس جهت یادگیری بهتر از مواردی هستند که باید مورد توجه اعضای هیأت علمی قرار گیرد.

در بررسی سؤال دوم تحقیق، پس از تجزیه و تحلیل نتایج تأثیر عامل سازماندهی محتوای آموزشی بر بهبود کیفیت آموزشی عالی دوره تحصیلات تکمیلی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج این تحقیق با پژوهش‌های اسماعیلی بیدهندی (۱۳۷۷) که بهبود کمی و کیفی برنامه درسی در بهبود کیفیت آموزشی مؤثر است و با یافته‌های پاکاریان (۱۳۷۸) مبنی بر اینکه محتوای کمی و کیفی برنامه‌های درسی در کیفیت آموزش تأثیر دارد. و با مطالعات سلیمانی مطلق (۱۳۸۴) که بین محتوای برنامه درسی و کیفیت آموزش دانشگاهی رابطه معناداری وجود دارد؛ همچنین، با نتایج یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) که بیان کرد، چگونگی سازماندهی محتوای آموزشی بر کیفیت آموزشی دانشگاهی تأثیر دارد، همخوانی دارد.

بنابراین، استفاده از مفاهیم جدید علمی برای هر واحد درسی، غنی‌سازی محتوای کتاب و جزوات درسی، کارایی محتوای درسی ارائه شده در هر دوره برای جامعه، تدوین محتوای درسی براساس علائق و نیازهای دانشجویان و انتخاب منابع متعدد و متنوع برای هر واحد درسی از جمله مواردی هستند که باید در سازماندهی محتوای آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

در مورد سؤال سوم تحقیق نتایج نشان داد که تجهیزات و امکانات دانشگاه بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد. نتیجه این تحقیق با پژوهش اسماعیلی بیدهندی (۱۳۷۷) که توجه به وضعیت کمی و کیفی کتاب و کتابخانه در بهبود کیفیت آموزشی مؤثر است؛ و با یافته‌های پاکاران (۱۳۷۸) مبنی بر وضعیت کمی و کیفی کتابخانه‌ای در کیفیت آموزش تأثیر دارد؛ و با مطالعات شفیع‌ی رودپشتی و همکاران (۱۳۸۷) که دسترسی سریع و کافی استادان و دانشجویان به کامپیوتر و اینترنت، مناسب بودن چیدمان اتاق‌ها و کلاس‌های دانشکده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت خدمات آموزشی هستند؛ و با یافته‌های پژوهش یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) که بیان نمود چگونگی سازماندهی فضای آموزشی بر کیفیت آموزش دانشگاهی تأثیر دارد؛ همچنین، با نتایج تحقیق فراستخواه (۱۳۸۷) که توسعه زیرساخت‌های لازم برای یادگیری از راه دور و الکترونیکی از ضرورت ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی است؛ و با بررسی‌های آریزونا (۱۹۹۳) که کلاس‌های آموزشی مجهز به تکنولوژی مدرن باعث ارتقاء کیفیت آموزشی می‌شود؛ همسو می‌باشد.

بنابراین، امکانات فیزیکی مطلوب در کلاس‌های درسی (نور کافی، گرما، سرما و ...)، ایجاد فضای آموزشی مطلوب و مناسب جهت کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی اساتید و دانشجویان، دسترسی آسان به منابع کتابخانه‌ای و تجهیزات رایانه‌ای نقش مهمی در بهبود کیفیت آموزشی خواهند داشت.

در بررسی سؤال چهارم تحقیق پس از تجزیه و تحلیل نتایج تأثیر عامل وضعیت دانشجو بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه این تحقیق با بررسی‌های اسماعیلی بیدهندی (۱۳۷۷) که فراهم نمودن زمینه رشد و توسعه حرفه‌ای دانشجویان در بهبود کیفیت آموزشی مؤثر است و با نتایج یافته‌های پاکاریان (۱۳۷۸) که شیوه‌های گزینش دانشجو و فراهم نمودن زمینه رشد حرفه‌ای و رضایت خاطر دانشجو در کیفیت آموزش تأثیر دارد؛ و با نتایج تحقیق یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) مبنی بر تأثیر ملاک‌های مورد عمل در گزینش دانشجو بر کیفیت آموزشی دانشگاهی و با مطالعات شفیع‌ی رودپشتی و همکاران (۱۳۸۷) که مشارکت دادن دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه و ارائه خدمات ویژه به دانشجویان جدید الورد از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت آموزشی می‌باشد و با نتایج پژوهش آریزونا (۱۹۹۳) که فراهم نمودن امکان تماس دانشجویان با اعضای هیأت علمی با سابقه برای نیل به ارتقاء کیفیت آموزشی را

مؤثر دانست، همخوانی دارد. در نظر گرفتن ملاک هایی مانند میزان علاقه مندی دانشجو به رشته تحصیلی خود، مناسب بودن استعداد دانشجو با رشته تحصیلی، میزان علاقه مندی دانشجو به تحصیل، میزان توانمندی دانشجو در درک و فهم مطالب درسی و میزان آگاهی داشتن دانشجو نسبت به اهمیت رشته تحصیلی خود از مواردی هستند که می‌بایست در گزینش دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه مورد توجه قرار گیرد.

در مورد سؤال پنجم تحقیق نتایج نشان داد که وضعیت هیأت علمی بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد. نتیجه این تحقیق با پژوهش اسماعیلی بیدهندی (۱۳۷۷) که استفاده از ملاک‌های علمی و عملی جهت گزینش استاد و فراهم کردن زمینه رشد و توسعه حرفه‌ای آنان در بهبود کیفیت آموزشی مؤثر است؛ و با یافته‌های تحقیق پاکاریان (۱۳۷۸) مبنی بر شیوه‌های گزینش هیأت علمی و فراهم بودن زمینه رشد حرفه‌ای و رضایت خاطر اعضای هیأت علمی در کیفیت آموزش تأثیر دارد. و با بررسی‌های یمینی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) مبنی بر تأثیر ملاک‌های مورد عمل در گزینش عضو هیأت علمی بر کیفیت آموزش دانشگاهی و با مطالعات شفیع‌ی رودپشتی و همکاران (۱۳۸۷) که کافی بودن تعداد استادان و تخصیص زمان کافی برای پاسخگویی به مشکلات دانشجو بوسیله استادان از عوامل مهم مؤثر بر بهبود کیفیت خدمات آموزشی می‌باشد؛ و با مطالعات فراستخواه (۱۳۸۷) که کیفیت هیأت علمی از ضرورت ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی است همچنین، با نتایج تحقیق آریزونا (۱۹۹۳) که تعداد اعضای هیأت علمی با رتبه‌های بالا برای نیل به ارتقای کیفیت آموزشی را مؤثر دانست همخوانی دارد.

بنابراین، میزان توانایی و مهارت استاد در برقراری ارتباط و انتقال دانش به دانشجو، میزان علاقه مندی استاد به تدریس و بحث و گفتگو با دانشجویان، متناسب بودن تخصص‌های علمی و تجربی استاد با دروس مربوط، میزان سابقه تدریس استاد و درجه و رتبه علمی وی از مواردی هستند که می‌بایست در گزینش اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

در ارتباط با سؤال ششم تحقیق مبنی بر اینکه آیا عوامل پنجگانه مورد مطالعه به یک میزان بر بهبود کیفیت آموزش عالی دوره تحصیلات تکمیلی تأثیر دارند؟ تجزیه و تحلیل داده‌ها مبین آن است که اثرگذاری پنج عامل مورد مطالعه بر بهبود کیفیت آموزش

دوره تحصیلات تکمیلی متفاوت است. دانشجویان کارشناسی ارشد تأثیر عامل وضعیت دانشجویی را بر بهبود کیفیت آموزش عالی بیشتر از بقیه دانستند. پس از آن عامل روش تدریس هیأت علمی، سپس عامل وضعیت هیأت علمی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

نتیجه این تحقیق با یافته‌های یمنی دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۷) که دانشجویان مورد مطالعه نیز تأثیر عامل چگونگی روش تدریس را بر کیفیت آموزش دانشگاهی بیشتر دانستند تا حدودی نزدیک می‌باشد.

پیشنهاد‌های پژوهش

۱- در نظر گرفتن تناسب بین روش تدریس با موضوعات درسی و مفاهیم اصلی و کلیدی هر درس و تشویق نمودن دانشجویان در فرایند تدریس به منظور یادگیری سریع تر، عمیق تر و پایدارتر.

۲- استفاده از مفاهیم جدید علمی همراه با غنی‌سازی محتوای کتب و جزوات درسی و تدوین محتوا بر اساس نیازهای دانشجویان تا منابع ارائه شده هر دوره کارآیی لازم را برای فراگیران در جامعه داشته باشد.

۳- فراهم نمودن امکانات فیزیکی مطلوب برای کلاس‌های درسی و ایجاد فضای آموزشی مناسب جهت فعالیت‌های تحقیقاتی و مطالعاتی اساتید و دانشجویان همراه با دسترسی آسان و راحت به منابع کتابخانه‌ای و تجهیزات رایانه‌ای در محیط‌های آموزشی.

۴- در پذیرش دانشجویان برای واحدهای دانشگاهی لازم است شاخص‌هایی مانند میزان علاقمندی فرد به رشته تحصیلی مورد نظر، مناسب بودن استعداد با رشته تحصیلی و آگاه بودن دانشجویان از اهمیت رشته تحصیلی خویش همراه با توانمندی فرد در درک و فهم مطالب درسی مورد توجه قرار گیرد.

۵- در استخدام اعضای هیأت علمی برای واحدهای دانشگاهی لازم است معیارهایی مانند: میزان توانایی و مهارت استاد در برقراری ارتباط و انتقال دانش به فراگیران، علاقمندی وی به تدریس و بحث و گفتگو با دانشجویان، متناسب بودن تخصص‌های علمی و تجربی

استاد با دروس مربوطه، به همراه سابقه تدریس و درجه و رتبه علمی مورد توجه قرار گیرد.

۶- از آنجا که یافته‌های پژوهش عامل وضعیت دانشجو را بیش‌تر از بقیه عوامل در بهبود کیفیت آموزش عالی مؤثر می‌داند. بنابراین، از ورود ناخواسته دانشجویان بدون علاقه و بی‌انگیزه به رشته‌های تحصیلی جلوگیری نموده و به کار بردن معیارهای علمی در گزینش دانشجو، مخصوصاً برای پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی مورد توجه قرار گیرد.

۷- تجدید نظر در سرفصل‌ها، عناوین و محتوای دروس بعضی از رشته‌ها در دوره تحصیلات تکمیلی و کاربردی کردن برنامه‌های درسی و تطبیق آن با نیازهای جامعه و نسل جوان.

منابع

- اسماعیلی بیدهن‌دی، زهرا. (۱۳۷۷)، بررسی عوامل مؤثر در افزایش کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س).
- پاکاریان، سارا، (۱۳۷۸)، بررسی عوامل افزایش کیفیت آموزشی در دانشگاه اصفهان و پیشنهادهای برای بهبود آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر ساوالان.
- سعیدی کیا، مهدی. (۱۳۸۶)، اصول و مبانی کارآفرینی. تهران: انتشارات کیا.
- سلطانی، ایرج. (۱۳۸۳). نظارت آموزشی، بسترساز بهبود کیفیت آموزشی. اصفهان: انتشارات ارکان.

- سلیمانی مطلق، خدایار. (۱۳۸۴). بررسی عوامل آموزشی مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی از دیدگاه اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه لرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- شفیعی رودپشتی، میثم و سید حبیب الله میرغفوری. (۱۳۸۷)، شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت خدمات آموزشی بخش آموزش عالی دانشکده مدیریت دانشگاه یزد. فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۲، ص ۶۷.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۷)، بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن آموزش عالی در ایران. سال اول، شماره ۲، ص ۹۵.
- قورچیان، نادرقلی و عباس خورشیدی. (۱۳۷۹)، شاخص های عملکردی در ارتقای کیفی مدیریت نظام آموزش عالی. تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد و مریم بهادری حضاری. (۱۳۸۷)، مقایسه برخی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش دوره های کارشناسی ارشد در دانشگاه های شهید بهشتی و صنعتی شریف. فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۱، ص ۵۷.

- Arizona Joint Legislative Budget (1993), higher education research section, Arizona Faculty Workload Study: Findings and policy issues phoenix: Joint Legislative budget committee.

- Cuenin, Serge. The use of performance Indicators in Universities: An International Survey. Jessica Kingsley, Ltd (1994).

- Guthrie, Hugh. Performance Indicators. Revisited. New York: Mac Millan, 1991.

- Kells, H. R. the Inadequacy of performance Indicators for Higher Education. The need for 4 more comprehensive and development construct. Jossy Bass publishers, 1990.